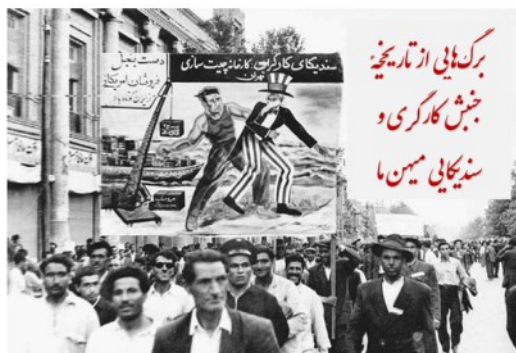


کارگران همه کشورها متحد شوید!

بویه پیدایش سندیکاهای کارگری در ایران - بخش ششم

با گسترش جنبش اعتصابی در سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۰، مجموعه‌ای از اعتصاب‌هایی اثرگذار در این دوره زمانی را شاهد هستیم. اعتصاب کارگران چاپخانه‌های تهران، اعتصاب کارگران نانوآخانه‌های [نانوایی‌های] تهران، اعتصاب کارگران کارخانجات ریسندگی، اعتصاب کارگران بندر انزلی، و اعتصاب‌هایی جز این‌ها همگی جنبه اقتصادی داشتند. هم‌زمان این اعتصاب‌ها



برک‌هایی از تاریخچه جنبش کارگری و سندیکایی مین ما

کارمندان دولت را نیز دربر گرفت که نقطه عطف آن فرارویی اعتصاب‌ها به مرحله سیاسی بود که یکی از آن‌ها اعتصاب کارمندان پست و تلگراف بود. با وجود این که فعالیت کارگران در قوانین کشوری به رسمیت شناخته شده بود، مدیریت پست و تلگراف که مدیریت آن با مستشاری سوئدی به نام "مولینور" بود، ابتدا دستور انحلال اتحادیه کارمندان اداره تلگراف را صادر کرد و سپس کوشید تا اتحادیه کارمندان پست را نیز منحل کند.

اتحادیه‌ها در برابر این اقدام، سرسختانه مقاومت کردند و اتحادیه کارمندان

ادامه در صفحه ۳

نامه
ضمیمه
کارگری
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۲، ۱ خرداد ۱۴۰۲

ادامه یافتن تجمع‌های اعتراضی بازنشستگان



بازنشستگان کارگری سازمان تأمین اجتماعی، بازنشستگان شرکت مخابرات، و بازنشستگان کشوری در هفته‌های اخیر تجمع‌های اعتراضی متعددی در شهرهای مختلف کشور در اعتراض به مصوب مزدی ۱۴۰۲ شورای عالی کار و مستمری چندین بار زیر خط فقر برگزار کرده‌اند. بازنشستگان کارگری افزایش ۲۷ درصدی

مصوب این شورا برای حداقل دستمزد و افزایش ۲۱ درصدی سایر سطوح دستمزدی را در برابر نرخ بالای تورم و سید معیشت به شدت ناکافی دانستند و در ارائه مطالبات ۱۰ گانه‌شان ابطال این مصوبه را قاطعانه خواستار شدند. بازنشستگان کارگری در تجمع‌های اعتراضی‌شان برابر اداره‌های سازمان تأمین اجتماعی اجرای کامل ماده‌های ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی و مستمری بالاتر از خط فقر، مهار تورم، خلع ید از دولت در اداره سازمان تأمین اجتماعی، پرداخت تمام دیون دولت به سازمان، ارائه درمان رایگان به بازنشستگان، و توقف هرگونه دخل و تصرف در سهام بانک رفاه کارگران را خواستار شدند. علاوه بر اعتراضات کارگران مخابرات روستایی و کارگران شاغل به تبعض شدید در مخابرات و مصوبه شورای عالی کار، در هفته‌های اخیر بازنشستگان مخابرات تجمع‌های اعتراضی‌ای هفتگی و گسترده مقابل وزارت ارتباطات در تهران و مقابل اداره‌های مخابرات در بسیاری از شهرهای کشور برگزار کرده‌اند. بازنشستگان مخابرات به اجرا نشدن کامل آیین‌نامه ۸۹ اعتراض داشتند و پرداخت مزایا و سهم خواروبار و کاهش سهم بیمه تکمیلی از ۵۰ به ۲۰ درصد سابق را خواستار بودند.

در بیانیه "آخرین هشدار بازنشستگان برای رسیدن به مطالباتشان" و قطعنامه‌های خود- به‌خصوص به مناسبت روز همبستگی جهانی کارگران- تشکل‌های مستقل کارگری، تشکل‌های مستقل بازنشستگان، تشکل‌های مستقل دانشجویی و فرهنگیان ضمن اعلام حمایت از اعتصاب گسترده کارگران پروژه‌ای نفت و گاز و پتروشیمی، عموم توده‌های ستمدیده مردم ایران را به سازمان‌یابی در مبارزه با رژیم فاسد ولایی فراخوانده‌اند. در مراسم فرمایشی بازنشستگان که "خانه کارگر" برگزار کرد حتی

در این نمایش دروغین شعاری نظیر "هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه" و

ادامه در صفحه ۲

سازمان دهی جنبش اعتصابی زحمتکشان: زمین‌ها و اولویت‌ها

گسترش بحران همه‌جانبه و ناتوانی حکومت جمهوری اسلامی برای برون‌رفت از این بحران به وخیم‌تر شدن معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان دامن می‌زند. از سوئی ژرفش شکاف مزد و هزینه سفره خانوارهای کارگری را کوچک و کوچک‌تر می‌کند و از دیگر سو مخالفت با ترمیم مزد هم‌زمان با ارائه طرح اصلاح قانون کار در بطن برنامه جراحی اقتصادی دورنمایی تیره‌تر در برابر زحمتکشان کشور ترسیم می‌کند. مجموعه اعتراض و اعتصاب‌های کارگری به‌ویژه در صنایع نفت، گاز، و پتروشیمی، اعتراض‌های بازنشستگان، تجمع‌های اعتراضی فرهنگیان، گردهمایی پرستاران و نظایر آن، از ژرفای نارضایتی‌های زحمتکشان به‌روشنی حکایت می‌کند. در این اوضاع، شکل‌گیری حرکت‌های اعتراضی به‌ویژه به‌کار گرفتن سلاح اعتصاب را از ویژگی‌های جنبش کارگری و سندیکایی در این مقطع زمانی می‌توان به‌شمار آورد.

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایی،

تحریم، و مداخله امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

ادامه سازمان دهی جنبش اعتصابی ...

درعین حال با کاستی ای جدی همراه است: ضعف در سازمان دهی و در سطح همبستگی. تجربه اعتصاب کارگران پروژه ای و قرارداد موقت صنعت پتروشیمی که در آستانه روز جهانی کارگر حکومت جمهوری اسلامی را به چالش طلبید، نشان می دهد مبارزان جنبش کارگری و سندیکالیست ها می باید ارتباط با توده های کارگر را گسترده تر کنند و از این راه سطح سازمان دهی و همبستگی در جنبش اعتراضی و اعتصاب های کارگری را تقویت کرده و ارتقا دهند. محدوده و حوزه های مبارزه و حضور در میان توده های کارگر را باید گسترش داد، بر رشته های صنعتی - خدماتی که در اقتصاد ملی نقشی محوری دارند نیز باید متمرکز شد. این تمرکز زمینه سازمان دهی جنبش اعتصابی ای مؤثر، بادوام، و اثرگذار را امکان پذیر می کند.

همچنین این نکته کلیدی در مبارزه جنبش سندیکایی را می باید همواره اویزه گوش قرارداد که عبارت است از: اتحاد عمل فراگیر! همچنان که می دانیم جنبش سندیکایی تنوع و گستردگی خاص خودش را دارد. وحدت سندیکایی بر پایه این تنوع، جزو خصیصه های جنبش سندیکایی است که زمینه گسترده ترین اتحادها را ممکن می سازد. اعتصاب اخیر کارگران پروژه ای صنعت نفت درسی بسیار با ارزش در خود دارد. این اعتصاب بار دیگر ثابت کرد که "ذهنی گرایی" و "اراده گرایی" چگونه به پراکندگی میدان می دهد و سرانجام شان جز تفرقه نیست. درعین حال، تجربه ای دیگر پیش روی ماست. مبارزات فرهنگیان و بازنشستگان حاوی درس هایی با ارزش اند. تجربه موفق اعتراض های فرهنگیان و بازنشستگان شایسته توجهی جدی است. سطح همبستگی و اتحاد عمل در این دو حرکت ضامن تداوم آنها بوده است آن چنان که سیاست سرکوب و فرسایشی ساختن این دو حرکت مبارزاتی فرهنگیان و بازنشستگان که از سوی ارگان های امنیتی پیگیری می شود، نتوانسته این زحمتکشان را خسته کند و از پای درآورد. دوری از پراکندگی، حضور گسترده بازنشستگان و معلمان در صحنه، و داشتن حدی معین و پذیرفتنی از اتحاد عمل، در این موفقیت نقش داشته اند.

با در نظر گرفتن فضای عمومی کشور، حدت و شدت بحران در آن، و اصرار حکومت جمهوری اسلامی به اجرای برنامه ویرانگر تعدیل ساختاری، می توان تأکید ورزید که زمینه های عینی نیرومند شکل گیری جنبش اعتصابی زحمتکشان فراهم اند. سازمان دهی جنبش اعتصابی را با حد اعلای احساس مسئولیت انقلابی و واقع بینی وظیفه ای درنگ ناپذیر باید به شمار آورد. در انجام این وظیفه مهم ترین موضوع اتحاد عمل فراگیر است. اتحاد عمل فراگیر از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را بر طرح هایی چون "راه اندازی صندوق اعتصاب" و از این قبیل پیشنهادها - که البته در زمانی مناسب بسیار مهم نیز هستند - باید مقدم دانست. حکومت جمهوری اسلامی و ارگان های امنیتی اش از رشد و دامنه دار شدن اعتصاب های کارگران و زحمتکشان فکری و یدی به شدت نگران هستند.

در اوضاع کنونی جنبش اعتراضی و اعتصاب های کارگری می تواند نقش عاملی تقویت کننده در مبارزات جنبش مردمی داشته باشند. پیکار کارگران و زحمتکشان با ظرفیت های بالفعل و بالقوه اش به طوری فزاینده در جنبش همگانی ضد دیکتاتوری و خیزش زن، زندگی آزادی نقشی پررنگ و برجسته تر پیدا می کند. باید هشیارانه و ضمن دوری از هرنوع تفرقه، وزن و جایگاه جنبش کارگری در مبارزه برضد دیکتاتوری حاکم و مداخله های امپریالیسم را بالا برد و قدرت مانور جنبش مردمی را با طرح خواست هایی عدالت جویانه و دموکراتیک افزایش داد. سازمان دهی جنبش اعتصابی بر شالوده چهارگانه تشدید مبارزه، اتحاد عمل فراگیر، تلفیق مبارزه صنفی - سیاسی، و استقلال عمل طبقاتی وظیفه مبرم در این مرحله است.

ادامه ادامه یافتن تجمع های اعتراضی ...

"اجرای همسان سازی بدون حقه بازی" شعارهای بازنشستگان بود. به رغم وعده مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی به اجرای به اصطلاح ۲۵ درصد باقیمانده از همسان سازی سال ۱۴۰۰، با انتقاد شدید از "فرمولی" که سازمان "اختراع" کرده و اشاره به حکمی که در سال ۱۴۰۰ به آنها صادر شده است، روز ۲۱ اردیبهشت ماه بازنشستگان اهواز از محروم شدن از ۲۵ درصد باقیمانده متناسب سازی خبر دادند. به نظر می رسد "فرمول اختراعی" تأمین اجتماعی مطابق همان پویه "حقه بازی" بوده است و مطابق گزارش ۲۴ اردیبهشت ماه ایلنا، اعمال ۲۵ درصد منجر به افزایش زیر ۱۰۰ هزار تومانی حتی فقط ۱۵ هزار تومان نیز شده است. گرچه مانند بازنشستگان کارگری، فقر و محرومیت شدید به بازنشستگان صندوق های کشوری و لشگری نیز تحمیل می شود، ولی رژیم ولایی و رئیس جمهور جلال آن رئیسی در ادامه پویه ضد مردمی شان و با هدف ایجاد نفاق بین بازنشستگان، سیاست تبعیض را در ارائه مزایا و حق اولاد ناچیز اعمال کرده اند. در حالی که حق اولاد بازنشستگان کشوری و لشگری دو برابر شده و مزایای آنان تا مرز صد درصد افزایش یافته است، روز ۲۳ اردیبهشت ماه ایلنا مزایای بازنشستگان کارگری را با "اعمال ۲۷ درصد افزایش" شورای عالی کار گزارش داد، و در حالی که شورای عالی کار کمک هزینه مسکن کارگران را ۹۰۰ هزار تومان تصویب کرده بود، برای بازنشستگان کارگری این آیتم "۲۰۰" هزار تومان در نظر گرفته شده است. دستیابی به مستمری بالای خط فقر و دیگر حقوق بازنشستگان فقط در مبارزه ای متحد و همراه و همگام با جنبش "زن، زندگی، آزادی" ممکن خواهد شد.

گزیده بیانیه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در روز جهانی کارگر



در حال حاضر بحران عمیق سرمایه داری طولانی تر و گسترده تر می شود، و این امر موجب تضییع علنی حقوق دموکراتیک و سندیکایی، و خاست شرایط کاری و زیستی، گسترش فاجعه بار نابرابری های اجتماعی، گسترش فقر و استثمار گردیده است.

سرمایه های بزرگ و نمایندگان سیاسی آن به بهانه بحران سرمایه داری بخود اجازه می دهند که همه نوع یورش، حتی به بنیادی ترین حقوق سندیکایی و دموکراتیک مانند: حق اعتصاب، تظاهرات، و سازماندهی بنمایند. آنان هر کاری را که بتوانند انجام می دهند که عواقب بحران را روی دوش طبقه زحمتکش، بازنشستگان، کشاورزان و ضعیف ترین قشر جامعه و خودکارفرماها بیندازند.

افزایش غیرقابل کنترل قیمت ها، بخصوص در اقلام حیاتی مورد نیاز، همچنین تحمیل "فقر انرژی"، روش دیگری برای کاهش دستمزدها و حفاظت از میزان سودشان، که این امر منجر به افزایش فقر و مشقت در سطح زندگی کارگران می شود. بار دیگر می خواهند که مردم و زحمتکشان هزینه بحران آنان را پرداخت نمایند. ولی کارگران زیر بار این امر نخواهند رفت. این پیام را به عیان و با صدای بلند و هر روزه، بیشتر و بیشتر از محیط های کاری و از کشورهای مختلف می توان شنید.

زنان سرپرست خانوار از هیچ پوشش حمایتی‌ای برخوردار نیستند!



اجرای سیاست‌های نولیبرالی به‌دستور صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به‌وسیلهٔ حکومت جمهوری اسلامی وضعیتی فلاکت‌بار برای کارگران و زحمتکشان میهن ما به‌ویژه زنان کارگر به‌وجود آورده است.

بر اساس گزارش

جدید سازمان جهانی کار در سطح جهان به‌ازای هر دلار درآمد نیروی کار مردان، زنان تنها ۵۰ سنت درآمد دارند و عدم توازن جنسیتی در دسترسی به شغل و شرایط کاری مناسب بیش از آن چیزی است که قبلاً تصور می‌شد و پیشرفت در کاهش آن در دو دهه اخیر به‌طرزی ناامیدکننده کند و ناچیز بوده است.

میهن ما یکی از آن کشورهایی است که نابرابری‌های جنسی - جنسیتی‌ای شدید در آن حاکم است از جمله در مورد زنان سرپرست خانوار که با رنج و مشقت فراوان، بی‌وقفه در تلاش و تکاپو هستند تا هزینه مسکن و معاش خود و خانواده را تأمین و تضمین کنند. از آنجا که این زنان زحمتکش از داشتن مسکن و سرپناه مناسب بی‌بهره هستند و توان پرداخت اجاره‌خانه‌های سنگین را هم ندارند، جسم و جان خسته و استثمار شده‌شان را در پناه حاشیه‌های ناامن شهرها که بیشتر به مخروبه‌ها شباهت دارند سپری می‌کنند. کارگاه‌های غیررسمی بسیاری در حاشیه همین شهرها برپا شده است تا نیروی کار ارزان زنان به‌خصوص زنان سرپرست خانوار و حاشیه‌نشین را به مالکیت خود درآورده و از راه استثمار آنان به سودهایی نجومی دست یابند. داشتن بیمه و حق بازنشستگی برای زنان سرپرست خانوار بیشتر به یک رویا تبدیل شده است و آنان نگران و مضطرب از فرا رسیدن دوران بازنشستگی و از کارافتادگی که مانند کابوسی وحشتناک آرامش و سلامتی را از آنان سلب کرده است، زندگی پر رنج و عذاب خود را با زحمت و تلاش جان‌فرسا سپری می‌کنند.

طبق برآوردها در میانه سال‌های دهه ۱۳۹۰ دو میلیون زن کارگر با استخدام غیررسمی و بدون بیمه مورد استثمار بی‌رحمانه قرار داشتند. از میان این دو میلیون زن کارگر، اگر نیمی از آنان زنان سرپرست خانوار باشند، یعنی معاش بیش از یک میلیون خانواده در کشور با کار زنان سرپرست خانوار تأمین می‌شود و دستمزدشان بر اساس کارحجمی [پیمانی] یا روزمزدی است و قرارداد کار، دستمزد رسمی، و بیمه ندارند. به‌علاوه به‌شدت از تبعیض جنسیتی رنج می‌برند. به‌طورکلی مطابق آمار رسمی منتشره شمار خانوارهایی با سرپرست زن نسبت به کل خانوارهای کشور بیش از ۱۳ درصد است.

بی‌تردید با جراحی بی‌رحمانه اقتصادی ابراهیم رئیسی و تحمیل ریاضت بیشتر به مردم از طرف رژیم ولایت فقیه، به تعداد زنان سرپرست خانوار افزوده شده است و به همین نسبت در زیر سایه حمایت رژیم، سود حاصل از بهره‌کشی زنان کارگر و زحمتکش از سوی سرمایه‌داران افزایش عظیمی پیدا کرده است و تا زمانی که رژیم ولایت فقیه در کشور ما به حکومت ننگین خود ادامه می‌دهد، انتظار کاهش یا از میان بردن استثمار زنان کارگر انتظاری بیهوده خواهد بود.

رژیم زن‌ستیز و آزادی‌کش ولایت فقیه با طبقاتی کردن و کالایی شدن سیستم آموزشی، بیسوادی‌ای گسترده را به‌ویژه در میان زنان کارگر و زنان سرپرست خانوار رواج داده است و آنان را از دسترسی به تکنولوژی مدرن و به‌روز مانند اینترنت و تلفن‌های همراه محروم ساخته است. سیاست و منافع رژیم در بی‌اطلاع نگه داشتن زنان کارگر از حق تشکیل‌یابی و در صورت امکان ممانعت از عضویت در تشکل‌های مستقل کارگری است.

زنان سرپرست خانوار با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند. نباید این زنان زحمتکش و خانواده‌های‌شان را فراموش کرد. شغل مناسب، دستمزد عادلانه، مزایای قانون کار، و حق بیمه و بازنشستگی باید شامل حال زنان سرپرست خانوار گردد.

ادامهٔ بویهٔ پیدایش سندیکاهای کارگری ...

پست در همین ارتباط جزوهای را در افشای این عامل امپریالیسم - مولیتور - منتشر کرد و برکناری او از کار را خواستار شد. دولت و مجلس نیز هماهنگ با یکدیگر پس از مطرح شدن این خواست در مجلس از مستشار سوئدی جانبداری کردند و طی مصوبه‌ای شرکت کارمندان دولت در اتحادیه‌ها را ممنوع اعلام کردند. این اقدام دولت افزایش خشم مردم علیه دولت را سبب شد و این جریان در بحبوحه گسترش اعتصاب وسیع دیگری بود که از سوی اتحادیه معلم‌ها در دی‌ماه سال ۱۳۰۱ سازمان‌دهی شده بود. اعتصاب معلم‌ها ابتدا در اعتراض به حقوق معوقه‌شان بود (دولت بیش از شش ماه بود که حقوق معلم‌ها را پرداخت نکرده بود)، ولی در ادامه به یک اعتراضی سیاسی تبدیل شد. این اعتصاب ۲۱ روز طول کشید و سپس به تظاهراتی خیابانی انجامید که طی آن بسیاری از دانش‌آموزان نیز در حمایت از معلم‌ها به صف‌های تظاهر کنندگان در خیابان‌ها پیوستند. هر دوی این اعتصاب‌ها در عمل خصلت سیاسی‌ای آشکار علیه امپریالیسم و دولت دست‌نشاندهٔ آن داشت و سقوط حکومت منززل قوام‌السلطنه و جایگزینی آن با کابینه مشیرالدوله را سبب شد.

پایان بخش ششم - ادامه دارد

مسائل جنبش سندیکایی: وظایف و مبارزات معاصر سندیکاهای کارگری

مروری بر برگزاری هجدهمین کنگره فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (بیانیه ژم) - بخش پنجم،

نظام رهبری جمعی و دموکراتیک

۱۲- فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و همهٔ نهادهای رهبری آن فعالیت دموکراتیک و جمعی دارند؛ شورای ریاست، سندیکاهای و اتحادیه‌های بین‌المللی وابسته، دفاتر منطقه‌ای، کمیته‌های زنان، جوانان، حقوقی، و جز این‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را طوری هماهنگ می‌کنند که مبارزات کارگران را به پیش ببرند و رهنمودهای فدراسیون را اجرا کنند. دفاتر منطقه‌ای فدراسیون و سندیکاهای اتحادیه‌های بین‌المللی وابسته در هر جا که لازم باشد می‌توانند فعالیت‌های خود را هماهنگ و با یکدیگر همکاری کنند.

کادرهای سیاسی متعهد به مبارزه

۱۳- فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری همیشه توجه دارد و هشیار است که دربارهٔ ما بر اساس فعالیت و کارآمدی‌مان قضاوت می‌شود. طبقهٔ ما همیشه همهٔ سازمان‌های رهبری، کادرها، و همهٔ ما را زیر نظر دارد. ما بدون مصالحه، متعهد به مبارزه برای آرمان‌های کارگرانیم. هر کادری، قبل از هر چیز، در کشور خودش و در بخشی که فعالیت دارد مورد آزمایش و قضاوت قرار می‌گیرد. در آنجاهاست که هر کادر ارزیابی می‌شود و این سؤال پیش کشیده می‌شود که آیا رهنمودها، موضع‌گیری‌ها، و شعارهای درخشان فدراسیون را طرح، ترویج، و حمایت می‌کند یا نه.

پایان بخش پنجم - ادامه دارد



بخش‌هایی از فراخوان حزب کمونیست ونزوئلا به طبقه کارگر ونزوئلا

بیش از شش سال است که رهبری دولت - PSUV در حال از بین بردن دستاوردهای فرایند بولیواری و تنظیم پیمان نخبگان جدید بین مافیا و گروه‌های فاسدی است که به خزانه ملی حمله کرده‌اند و - خود را «بورژوازی انقلابی» می‌نامند؛ و از سوی دیگر بورژوازی انگلی سنتی مرتبط با سرمایه فراملی به‌عنوان یک «راه برون‌رفت» از بحران سرمایه‌داری، یک بسته تعدیل نولیبرالی که تمام وزن بحران را بر دوش زحمتکشان می‌گذارد، دستمزدها را نابود می‌کند، حقوق جمعی، توافق، آزادی تشکل و اعتصاب را از بین می‌برد، تحمیل می‌کند؛ افزون بر این دلاری کردن اقتصاد، آزادسازی قیمت‌ها و سودها به‌گونه‌ای که سفته‌بازی و سوءاستفاده‌های کارفرمایان حاکم شود، همه به‌نفع سرمایه‌داران و نخبگان مافیایی است که خون کشور را می‌مکند و اکثریت مردم را به بدبختی محکوم می‌کنند. . . .

حزب کمونیست ونزوئلا خواستار گسترده‌ترین وحدت عمل، با استقلال و خودمختاری کل طبقه کارگر و اتحادیه‌ها، سندیکاها، کارگری و تشکل‌های مردمی است تا جنبشی قدرتمند علیه فساد و برای منزلت مردم برپا کنند. جنبشی که نجات حقوق کارگری و مردمی را ممکن سازد و امکان گردآوری نیروی لازم برای شکست سیاستی را که در خدمت بورژوازی انگلی، شرکت‌های فراملی و مافیایی فاسد تحت حمایت دولت و نهادهای آن است، فراهم سازد.

ما خواستار گسترش و تقویت مبارزه در دفاع از دستاوردهای دموکراتیک مردم ونزوئلا، علیه استبداد، برای احترام به تضمین‌های قانون اساسی و حقوق سیاسی هستیم. به‌ویژه ما استفاده از نهادهای دولتی را برای تعقیب و جرم‌انگاری مبارزات طبقه کارگر، زندانی کردن کارگران و فعالان مردمی، مداخله و حمله قضایی به سازمان‌های سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر که سر فرود نمی‌آورند، محکوم می‌کنیم، مانند طرح تهاجم و حمله‌ای که از سوی رهبری دولت - PSUV علیه حزب کمونیست ونزوئلا اجرا می‌شود. همین‌طور ما پیمان بین نخبگان دولت و اپوزیسیون راست را رد می‌کنیم و تمام سیاست‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و اروپا را در کشور خود محکوم می‌کنیم و همبستگی خود را با مبارزات طبقه کارگر جهانی علیه استثمار سرمایه و گشودن چشم‌انداز سوسیالیسم و کمونیسم اعلام می‌کنیم.

منبع: سایت حزب کمونیست ونزوئلا - 11 اردیبهشت ماه 1402
<https://prensapcv.wordpress.com/2023/05/01/llamamiento-del-pcv-a-la-clase-trabajadora-venezolana-luchar-en-unidad-para-conquistar-la-victoria-popular/>

اعتصاب کارکنان دولت فدرال کانادا

دولت فدرال کانادا با شعار به اصطلاح طرفداری از «فمینیسم» زنان را از کار بیکار می‌کند!

اعتصاب جاری ۱۵۵۰۰۰ نفری از کارکنان دولت فدرال کانادا، یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری تاریخ کانادا است. همچنین در اوضاع اقتصادی کنونی یک از مهمترین‌ها می‌باشد، چرا که اعتصاب اتحادیه عمومی کارکنان خدمات عمومی کانادا (بی - اس - ای - سی) الگویی برای مبارزات مشابه در سراسر کشور چه بین کارکنان بخش عمومی - از جمله در سطوح دولت‌های استانی و شهری و چه در بخش خصوصی خواهد بود.

این اعتصاب به ویژه وضعیت زنان کارگر در جامعه سرمایه داری را روشن می‌کند. حدود ۶۰ درصد از اعضای این اتحادیه را زنان تشکیل می‌دهد و حتی در یکی از بزرگترین گروه‌هایی که در حال حاضر در اعتصاب هستند - بخش کارکنان برنامه ریزی و خدمات اداری این رقم بیش از ۷۰ درصد است. . . .

پیام دولت آقای ترودو و شرکا واضح می‌باشد. کارگران بخش عمومی از کاهش دستمزد واقعی باید خوشحال باشند چرا که میلیاردها دلار از سهم درآمد این مردم زحمتکش به شرکت‌های نظامی و بانک‌ها پرداخت شده است. و همچنین پیام دولت فدرال برای زنان کارگرو واضح است. به دستمزدهای پایین عادت کنید چرا که ما ترجیح می‌دهیم که این مبلغ را برای گسترش جنگ و تامین سود بخش خصوصی استفاده کنیم.

رئیس بانک مرکزی کانادا، مکرراً تأکید کرده است که استراتژی دولت برای مبارزه با تورم، نگاه داشتن دستمزدها پایین تر از شرایط زیستی می‌باشد (که در واقع کاهش دستمزدها)، و این خود موجب کاهش درآمد بازنشستگی و افزایش تعداد بیکاران می‌گردد.

این استراتژی اقتصادی کاملاً در خدمت شرکت‌های بزرگ، که سودهای کلان‌شان سر به آسمان می‌زند است و در عین حال استانداردهای زیستی مردم زحمتکش شدیداً کاهش می‌یابد.

کارگران و زحمتکشان کانادا با یک انتخاب روبرو شده‌اند: یا به زندگی با دستمزدهای پایین‌تر و قیمت‌های سرسام آور سوق داده شوند و درحالی که سودهای شرکت‌های بزرگ و پرداخت یارانه‌های دولتی برای بخش خصوصی افزایش یابد؛ یا برای به دست آوردن دستمزد واقعی، حقوق بازنشستگی قوی‌تر و درآمد کافی برای زندگی شایسته و تسوی درآمدی برای زنان، کارگران بومی و نژادی مبارزه کنند.

تمامی کارگران، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، منافع آشکاری از پیروزی کارکنان دولت فدرال در این اعتصاب که برای بدست آوردن دستمزد مناسب می‌باشد، دارند.

ترجمه از سایت صدای مردم وابسته به حزب کمونیست کانادا به تاریخ ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۷۲
 Nameh Mardom - Workers Supplement No.72

22 May 2023

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

004930
 23629727

